

## نقد ترجمه فارسی داستان «نهرالذهب» براساس نظریه سطح معنایی - لغوی الگوی گارسس

۱- محمدنبی احمدی - ۲- زهرا قنبری -

۱- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران  
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵)

### چکیده

الگوها و مدل‌های متفاوتی از سوی نظریه پردازان ترجمه، ارائه شده است که به عنوان معیاری مناسب و یا کارکرد دقیق‌تر برای سنجش ترجمه‌ها به کار می‌روند. نظریه ارزیابی کیفیت ترجمه کارمن گارسس (۱۹۹۴) از مهم‌ترین نظریات حوزه زبان‌شناختی است که به منظور تشخیص سطح کیفی ترجمه‌ها، سازمان یافته و به تحلیل کیفی متون ترجمه شده ادبی می‌پردازد. در این نوشتار، برآنیم براساس الگوی پیشنهادی گارسس در سطح معنایی - لغوی، ترجمه داستان «نهرالذهب» یعقوب الشارونی را با عنوان «رودخانه طلایی» از وحید سبزیان پور و حسیه وکیلی با در نظر گرفتن متن اصلی داستان بررسی کنیم. مهم‌ترین یافته‌های این نوشتار که با روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده، بیانگر آن است که این ترجمه از لحاظ سطح «معنایی - لغوی» موارد محدودی از داده‌های قابل تطبیق با نظریه گارسس و زیرگروه‌های متعدّد آن از قبیل قبض و بسط نحوی، اقتباس، تعریف یا توضیح برحسب اختلافات فرهنگی و ابهام و... را در خود جای داده است. زبان‌شناسان معتقدند دلالت‌های مختلف یک صورت واحد، منجر به ابهام می‌شود. مطابق نظر گارسس، ابهام ممکن است عمدی یا سهوی باشد. ابهام عمدی یا هنری باید منتقل شود و ابهام غیرعمدی باید برطرف شود. طبق بررسی انجام شده در این ترجمه در کتاب نهرالذهب هیچ‌گونه ابهامی مشاهده نشد. براساس یافته‌های این مقاله، «اقتباس» یا همان انتخاب معنایی نزدیک جمله یا کلمه در ترجمه دارای بیشترین بسامد و «توضیح» یعنی بیان توضیح درباره کلمه در پاورقی یا پراکنش، کمترین مورد را دارا بوده و قبض نحوی یا همان کاهش واژگان در ترجمه که از نکات منفی اشاره شده به آن در نظریه گارسس است، مواردی بیان شده است.

واژگان کلیدی: نقد ترجمه، الگوی گارسس، نهرالذهب، رودخانه طلایی.

### مقدمه

بررسی و مطالعه ترجمه‌های دیگران یک عنصر اساسی در یادگیری، آموزش و پرورش استعدادها، تجربه و مهارت است (جبوری و دیگران، ۱۹۷۷: ۴۳۱). در ترجمه کتاب‌ها، معمولاً مواردی چون افزایش، کاهش، حفظ مضمون و تغییر موجود را مشاهده می‌کنیم که تمام این مسائل یا به دلیل ویژگی‌های مثبت ترجمه است یا از ضعف و معایب موجود در ترجمه حکایت دارد. برای اظهارنظر درباره کاربرد یا غیرکاربرد بودن این عنوان‌ها لازم است متن ترجمه از منظر مدل‌های ارائه شده در این زمینه بررسی شود. غالباً بدون نقد ترجمه‌ها در سایه دانش زبان‌شناسی حرکت رو به رشد ترجمه‌ها امکان‌ناپذیر است تا کار ترجمه، بیش از پیش به صورت قانونمندتر و روشمندتر انجام شود.

داستان نهر الذهب اثر یعقوب الشارونی با عنوان «رودخانه طلایی» به قلم وحید سبزیان‌پور و حسیه و کیلی به زبان فارسی ترجمه شده است. بررسی ترجمه این داستان همراه با متن اصلی آن طبق یک الگو می‌تواند به عنوان نمونه‌ای موردی، بیان‌کننده معایب و مزیت‌های ترجمه باشد و نیز چارچوبی را برای نحوه ترجمه داستان‌های کوتاه به شکلی اصولی ارائه دهد. پژوهش حاضر با تکیه بر سطح معنایی - لغوی، الگوی ارزیابی نقد ترجمه کارمن گارسس<sup>۱</sup> به عنوان الگو و مدلی جامع که می‌تواند نتیجه دقیق‌تری ارائه دهد به بررسی و نقد ترجمه پرداخته است. برای دستیابی به این هدف تلاش شده با مقایسه بخش‌هایی از متن داستان با متن ترجمه، مواردی از ویژگی‌های ترجمه که گارسس برای سطح معنایی لغوی برشمرده است، استخراج شود تا هم وجود این ویژگی‌ها در ترجمه وی اثبات شود و هم راهبردهای ترجمه‌ای مترجم برای هر یک از بستر نمونه‌ها مشخص شود.

## ۱. پرسش‌های پژوهش

در پژوهش حاضر سه پرسش مطرح شده است که عبارتند از:

- ۱- آیا نظریه گارسس، قابلیت تطبیق در ترجمه کتاب نهرالذهب به قلم سبزیان پور را دارد؟
- ۲- این ترجمه به زبان مبدأ پایبند است یا مقصد؟
- ۳- سبزیان پور در فرآیند ترجمه از کدام مؤلفه‌های سطح لغوی- معنایی الگوی گارسس بهره جسته است؟

## ۲. پیشینه پژوهش

در زمینه نقد و بررسی ترجمه فارسی آثار ادبی، پژوهش‌های فراوانی انجام شده است. پژوهش‌هایی که براساس الگوهای مطرح شده از سوی زبان‌شناسان و نظریه‌پردازان حوزه ترجمه و به طور خاص با تکیه بر نظریه پیشنهادی گارسس، ترجمه متون ادبی، نقد و بررسی شده و برای پیشینه تحقیق از آن یاد می‌شود به شرح زیر است:

- مقاله‌ای با عنوان: «ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا، اثر مارک تواین براساس الگوی گارسس» به قلم رشیدی و فرزانه (۱۳۸۹ش)

- مقاله «نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معانی لغوی گارسس)» (۱۳۹۶ش) به کوشش رحیمی خویگانی که در فصل‌نامه مطالعات ترجمه قرآن کریم چاپ شده است. این پژوهش به طور خاص به موضوع نقد و تحلیل ترجمه قرآن کریم پرداخته است.

- مقاله «نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان «قلب اللیل» با عنوان «دل شب» براساس الگوی گارسس» به قلم صیادانی، اصغرپور و خیراللهی (۱۳۹۶ش) که در فصل‌نامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی چاپ شده است. نگارندگان این مقاله، براساس الگوی

گارسس در هر چهار سطح، جلوه‌های ضعف و قوت ترجمهٔ رمان مذکور را نقد و بررسی و میزان موفقیت مترجم را در سطوح مختلف با رسم نمودار تبیین کرده‌اند.

– مقاله «ارزیابی و مقایسهٔ دو ترجمهٔ فارسی از رمان انگلیسی *دُن کیشوت* اثر میگوئل دُ. سروانتس براساس الگوی گارسس» که به قلم رشیدی و فرزانه (۱۳۹۲ش) نوشته شده است. در مقاله‌های اشاره شده، نگارندگان با تکیه بر مدل گارسس، اقدام به ارزیابی و مقایسهٔ ترجمهٔ رمان‌های نامبرده و ذکر نکات مثبت و منفی آن کرده‌اند که با تبیین و تعریف نظریهٔ گارسس، حاصل کار به سنجش جوانب مختلف این ترجمه‌ها براساس الگوی مورد اشاره انجامیده است و ترجمه‌های مورد قبول و قوی از ترجمه‌هایی که چندان ایده‌آل ارائه نشده، تفکیک داده شده است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده، تحقیقی با عنوان نقد و بررسی ترجمهٔ داستان «نهر الذهب» با عنوان «رودخانه طلایی» براساس سطح معنایی – لغوی الگوی گارسس، صورت نگرفته است؛ از این رو در این پژوهش تلاش شده است تا میزان موفقیت مترجم در ترجمهٔ رمان نهر الذهب و نحوهٔ کار وی و نیز کاستی‌های موجود در ترجمه، مشخص و راهکاری برای بهبود آن مطرح شود. در مقالات پیشین آثاری مورد توجه قرار گرفته است که از جانب نویسندگان بزرگی خلق شده‌اند و مترجمان، اهتمام بیشتری به این گونه آثار دارند در حالی که در این مقاله، یک اثر کوتاه و کمتر شناخته شده را مورد بررسی قرار داده‌ایم تا مترجمان در این عرصه نیز از نقد اثر خود آگاه باشند. با وجود اینکه قبلاً تألیفات نقدی پیرامون آموزش ترجمه از عربی به فارسی انجام گرفته، تاکنون پژوهشی در حیطهٔ نقد داستان‌های کوتاه صورت نگرفته است. نظر به اهمیت غیرقابل انکار ترجمهٔ کتاب‌های کودکان و نوجوانان و اینکه داستان‌های کودکان نقش بنیادین و سازنده‌ای در تکوین میراث و هویت فرهنگی و ادبی در هر جامعه دارد. پژوهش حاضر به بررسی کتاب رودخانه طلایی پرداخته است به این امید که کتاب‌هایی با ترجمه‌هایی بهتر در دسترس نوجوانان قرار گیرد.

### ۳. معرفی «نهرالذهب» و ترجمه آن «رودخانه طلایی»

یعقوب الشارونی از نویسندگان معاصر مصری است؛ وی در مجموعه داستان‌هایش به درون مایه‌های مربوط به مسائل اخلاقی برای کودکان پرداخته است. از جمله کتاب‌های ایشان می‌توان به «کور و گنج و صحرا»، «سورپرایز جشن آخر»، «گمشده در قناعت»، «ارواح در نیمه شب»، «حسنا و مار پادشاهی»، «انگشتر حاکم» و ... اشاره کرد.

«نهرالذهب» نوشته یعقوب الشارونی با ترجمه وحید سبزیان‌پور و حسبیه و کیلی، داستانی خیالی و کودکانه است که خالی از چاشنی خرافات نیست. هدف آن، نشان دادن اصالت مهربانی، نوع دوستی و فضایل اخلاقی است که برای جوامع شهری لازم و ضروری می‌نماید و آنچه در نهایت به مقصد می‌رسد، اندیشه‌های مثبت و انسانی است. از دیگر پیام‌های مثبت این داستان، ناپایداری دوستی و رفاقت افراد شرور است که برای رسیدن به منافع بیشتر، یاران خود را زیر پا گذاشته، آن‌ها را قربانی خواسته‌های خود می‌کنند (یعقوب الشارونی، ۱۳۹۷). وحید سبزیان‌پور کتاب‌های فراوانی را به رشته تحریر درآورده و در امر ترجمه نیز آثار متعددی از ایشان منتشر شده است؛ از جمله: «دیوان فاطمه زهرا (س)»، «امیر در سرزمین کوتوله‌ها»، «فندک عجیب»، «انگشتر حاکم» و «قوهای وحشی».

«نهرالذهب» توسط وحید سبزیان‌پور و حسبیه و کیلی ترجمه شده و در سال ۱۳۹۷ به دو زبان عربی و فارسی به چاپ رسید. صرف نظر از جنبه‌های مثبت و منفی این داستان، جاذبه آن و کششی که در خواننده ایجاد می‌کند، انگیزه‌ای برای ترجمه و استخراج فرهنگ لغت مربوط به آن (که در آخر کتاب رودخانه طلایی ذکر شده) توسط مترجم شده است. اگر ادبیات داستانی، افکار ما را تهذیب و اندیشه‌مان را وسعت بخشد و موجب آن نشود که توانایی درک و تشخیص ما از مفهوم زندگی بیشتر شود، ارزش آن بیشتر از ارزش و اهمیت یک مسابقه کوچک نیست (پرین و لورانس، ۱۳۷۸: ۸).

#### ۴. مبانی نظری: تحلیل مدل گارسس

ارزیابی ترجمه به منظور اطمینان از درستی و مطابقت آن با اصول و فنون مختلف ترجمه، ضروری است. ارزشیابی ترجمه و مترجم زمینه‌های مناسب فراهم می‌آورد تا رقابت مثبت در راستای بهبود کیفیت ترجمه بیشتر شود، در ترجمه‌ها روندی صعودی به وجود آید و در نهایت ترجمه‌های با کیفیت عالی داشته باشیم (رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹: ۵۹).

«گارسس (۱۹۹۴م) مدل ترکیبی در ارزیابی ترجمه ارائه کرده است که مرکب از مدل پیشنهادی ونیه و داربلنه<sup>۱</sup> (۱۹۵۸م)، آراء و عقاید دیگر صاحب‌نظران در امر ترجمه، مانند نایدا<sup>۲</sup>، نیومارک<sup>۳</sup>، دلیسل<sup>۴</sup>، مونن<sup>۵</sup> و نوبرت<sup>۶</sup> است. در الگوی گارسس، ترجمه‌ها بر پایه ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر زیرگروه‌های آن‌ها و در نهایت، دو معیار کفایت و مقبولیت بررسی و رده‌بندی می‌شوند» (رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹: ۵۹).

در نظر گارسس، متن مبدا و ترجمه در چهار سطح باید تا حد امکان برابری داشته باشند. این چهار سطح عبارتند از: سطح معنایی - لغوی، سطح نحوی - صرفی، سطح گفتمانی - نقش (کارکردی) و سطح سبکی - مقصود (منظور) شناختی (Garces, 1994: 77-120). گارسس برای هر یک از این سطوح چهارگانه، زیرگروه‌ها و اجزای خاص خود را دارد که در جدول (۱) به آن‌ها به طور مختصر اشاره شده است.

- 
- 1- Vinay Jean – paul و Jean Darbelnet
  - 2- Eugene Nida
  - 3- Peter Newmark
  - 4- Jean Delisle
  - 5- Georges Mounin
  - 6- Nubret

جدول (۱): سطوح چهارگانه مدل گارسس به همراه زیرگروه‌ها

سطح	۱- زیرگروه‌ها
معنای- لغوی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تعریف یا توضیح برحسب اختلافات فرهنگی، فنی یا زمانی</li> <li>- معادل فرهنگی یا کاربردی</li> <li>- اقتباس (معنی نزدیک)</li> <li>- بسط یا بسط نحوی</li> <li>- قبض نحوی</li> <li>- عام برابر خاص یا بالعکس</li> <li>- ابهام</li> </ul>
نحوی- واژه‌ساختی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ترجمه تحت‌اللفظی و یک به یک</li> <li>- ترجمه از طریق نحو</li> <li>- ترجمه از طریق دیدگاه</li> <li>- ترجمه از طریق جبران</li> <li>- ترجمه از طریق توضیح یا بسط معنی</li> <li>- ترجمه از طریق تلویح، تقلیل و حذف</li> <li>- ترجمه از طریق تغییر نوع جمله</li> </ul>
گفتمانی- کارکردی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- حذف منظور متن اصلی</li> <li>- حذف حواشی</li> <li>- تغییر به علت اختلافات اجتماعی- فرهنگی</li> <li>- تغییر لحن</li> <li>- تغییر ساختار درونی متن مبدا</li> <li>- تعدیل (کاهش) اصطلاحات محاوره‌ای</li> </ul>
سبکی- عملی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- بسط خلاقانه</li> <li>- اشتباه مترجم</li> <li>- حذف اعلام (اسامی خاص)</li> <li>- حفظ ساختاری خاص متن مبدا</li> <li>- بیان نامناسب در متن مقصد</li> <li>- پرگویی در برابر ساده‌گویی</li> <li>- تغییر در صناعات به ویژه استعاره</li> </ul>

گارسس برای هر یک از این چهار سطح و با تکیه بر متونی که تحلیل کرده، ویژگی‌های ترجمه‌ای را ارائه داده است، اما از آنجا که پرداختن به تمام سطوح آن در یک مقاله، کاری ناممکن جلوه می‌کند در این پژوهش تنها به سطح معنایی-لغوی می‌پردازد تا تصویری مناسب از انتخاب‌های واژگانی و حید سبزیان‌پور ارائه کند و سطوح دیگر را به مقالاتی دیگر وامی‌گذارد. در این پژوهش تلاش می‌شود این ویژگی‌ها در نحوه معادل‌گزینی سبزیان‌پور بررسی تا مشخص شود ترجمه وی از کدام ویژگی بیشتر بهره برده است.

در الگوی گارسس، ترجمه‌ها از نظر دو معیار کفایت و مقبولیت باید ارزیابی شوند. این دو معیار با استفاده از ویژگی‌های مثبت و منفی معرفی شده در مدل پیشنهادی، شرایط لازم را برای ارائه ترجمه‌ای مناسب و خوب از لحاظ انطباق مولفه‌های معنایی و عناصر دستوری دو زبان مبدا و مقصد و میزان دقت مترجم در رساندن پیام مدنظر و همچنین از نظر قابل قبول بودن متن ترجمه شده در سیستم زبانی مقصد (زبان فارسی) و میزان پذیرش خوانندگان متن مقصد را فراهم می‌سازد.

در واقع کفایت و مقبولیت بدین معنا است که در اینجا نه تنها درجست‌وجوی دقت و صحت عناصر زبانی هستیم، بلکه تأثیر سیستم زبان متن مبدا بر زبان مقصد و میزان پذیرش خوانندگان متن مقصد نیز باید مدنظر قرار گیرد. از این رو، برای تعیین کیفیت ترجمه‌ها، جنبه‌ها یا ویژگی‌های جدیدی در نظر گرفته می‌شود؛ ویژگی‌های مثبت و ویژگی‌های منفی. همچنین در یک تقسیم‌بندی کلی از چهار سطح، این ویژگی‌های مثبت و منفی مربوط به هر سطح را به تفکیک بیان می‌کند تا معیار سنجش کلی طبق این تقسیم‌بندی باشد.



جدول (۲): ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کیفیت در الگوی گارسس (اقتباس از: رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹: ۶۹)

ویژگی‌های مثبت	ویژگی‌های منفی
۱- معدل فرهنگی	۱- ابهام
۲- همانندسازی	۲- ترجمه قرضی (گرفته‌برداری)
۳- بسط نحوی	۳- ساده کردن
۴- جبران	۴- ترجمه تحت‌اللفظی
۵- تغییر نحو یا صورت	۵- نارسایی در مفهوم معادل‌ها
۶- تغییر دیدگاه یا بیان	۶- تغییر لحن
۷- توضیح	۷- تغییر در ساختار درونی متن مبدا
۸- حذف	۸- تصرف
۹- تغییر به علت تفاوت‌های اجتماعی- فرهنگی	۹- تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای
۱۰- تغییر در نوع جمله	۱۰- قبض نحوی یا کاهش
۱۱- حفظ اسم‌های خاص با معادل در متن مقصد	۱۱- حفظ ساختارهای متن مبدا
۱۲- تعریف	۱۲- بسط خلاقه
۱۳- حفظ صنایع بلاغی	۱۳- بسط ساده
	۱۴- اشتباه مترجم
	۱۵- حذف صنایع بلاغی
	۱۶- تغییر در صنایع بلاغی

در ادامه به بررسی معنایی- لغوی و زیرمجموعه‌های آن می‌پردازیم.

## ۵. سطح معنایی - لغوی

نقد، یک کار منظم است که از یک مبنای نظری خاص بیرون می‌آید. این یک ضرورت غیرقابل اجتناب است که به یک گفتار انتقادی نیاز داریم تا براساس مبنای تئوریک باشد که بتوان سطح زیباشناسی و فرهنگی آن اثر را نمایان کند (عبدالباسط، ۲۰۱۷: ۱۵ و ۱۶). هرکدام از سطوح مختلف مدل گارسس، مؤلفه‌های خاص خود را دارد که در این بخش زیرمجموعه‌های سطح معنایی - لغوی را با ذکر نمونه‌هایی از داستان رودخانه طلایی، بیان می‌کنیم:

### ۵-۱. تعریف و توضیح برحسب اختلافات فرهنگی، فنی یا زمانی

«تعریف» اشاره‌ای است به معنی واژه به صورت عبارت اسمی یا شبه‌جمله صفتی. «توضیح» نیز افزودن اطلاعاتی است که در پی اختلافات فرهنگی، بین زبان اصلی و مقصد ضروری می‌شود (رحیمی خویگانی، ۱۳۹۶: ۷۲ به نقل از گارسس، ۱۹۹۴: ۸۰) به این معنی که وقتی در ترجمه به واژه‌ای برمی‌خوریم که خاص یک فرهنگ است در انتقال آن به زبان مقصد باید معنی آن را بیان کند و توضیحی ارائه دهد تا خواننده متن ترجمه شده در درک معنی دقیق آن با چالش مواجه نشود. موارد زیر، نمونه‌هایی برای این موضوع هستند:

– «وَ اذْكُرُوا اللّٰهَ فِيْ اَيّامٍ مَّعْدُوْدَاتٍ» «و در روزهای مشخص و معدودی (روزهای تشریق؛ یعنی یازدهم تا سیزدهم ذی الحجّه در منا) خدا را یاد کنید» (ترجمه آیت‌الله یزدی).

– «كَانَتْ جَمِيْعُ اَرْضِيْ ذٰلِكَ الْوَادِي لثَلَاثَةِ اَخُوَّةٍ، هُمْ: «نعمان» و «رسلان» و «شهاب»» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۵)، تمام «زمین‌های آن دشت، متعلق به سه برادر، به نام‌های نعمان، رسلان و شهاب بود» «سبزیان‌پور، ۱۳۹۷: ۶»؛ مترجم برای توضیح واژه «رسلان» در پاورقی چنین آورده است: در متن عربی «رسلان» آمده در ترجمه از «رسلان» استفاده کردیم تا

نامی آشنا باشد. توضیحات مترجم در پاورقی یا داخل پرانتز به مواردی نادر محدود شده است؛ به نظر اسم «رسلان» می‌تواند در داستان استفاده شود.

- «وخلال لحظات خاطفة كان الكلب قد اختفى» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۶۵) «و در چند لحظه سریع و برق‌آسا سگ ناپدید شد» (سبزیان‌پور، ۱۳۹۷: ۶۶). در این ترجمه «لحظه سریع» معنای کافی را برای «لحظات خاطفة» دربر دارد، اما سبزیان‌پور «برق‌آسا» را به صورت صفتی به عنوان «تعریف» ذکر کرده است.

## ۵-۲. معادل فرهنگی یا کارکردی

هر جامعه‌ای به تناسب فرهنگ خود، عاداتی برای سخن گفتن و تولید معنا دارد. نظریه‌پردازان زیادی پیرامون معادل فرهنگی در ترجمه، سخن گفته‌اند و هر کدام روش‌هایی را ارائه کرده‌اند. از جمله آن‌ها گارسس و نیومارک است. نیومارک فرهنگ را چنین تعریف کرده است: «فرهنگ را به روش زندگی و جلوه‌های خاص زندگی بشر به عنوان وسیله‌ای برای بیان می‌دانم و بین زبان فرهنگ و زبان جهانی تمییز قائل می‌شوم... کلماتی هستند که وارد حیطه فرهنگ شده‌اند و اگر بین دو فرهنگ زبان مبدأ و مقصد مناسبت وجود نداشته باشد، مترجم در مواجهه با آن دچار چالشی بزرگ می‌شود» (نیومارک، ۲۰۰۶م: ۱۴۹)؛ یعنی از میان فرهنگ زبان مقصد، واژه معادلی را که نزدیک‌ترین معنای به واژه اصلی را دارد با رعایت فرهنگ زبان مقصد جایگزین کنیم؛ مانند:

- «وسأله رسلان فی صوت قبیح» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۲۷): «و ارسلان با صدای گوش‌خراشی گفت:» (سبزیان‌پور، ۱۳۹۷: ۲۴). اصطلاح از نظر لغوی، مصدر فعل اصطلاح است. هنگامی که واژه‌ای برای قومی اصطلاح شود، هرگونه اختلاف نظر درباره آن اصطلاح از بین می‌رود (جبوری و دیگران، ۱۹۷۷: ۴۳). مترجم نخواست است از معنای تحت‌اللفظی صدای زشت استفاده کند، از این رو، اصطلاح فرهنگی گوش‌خراش را که کارکردی مشابه

در زبان فارسی دارد به کار برده است که کنایه از همان صدای زشت است. کنایه یکی از اسالیب ادبی است که اگر به درستی اضافه شود به زیبایی جمله می‌افزاید.

– «لذَکَ أَطْلَقَ النَّاسُ عَلَیْهَا لَقَبَ «الأخوان القاسیان»» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۷): «برای همین بود که مردم آن‌ها را «برادران سنگدل» می‌خواندند» (سبزیان پور، ۱۳۹۷: ۸)؛ مترجم معادل کارکردی و فرهنگی موجود در زبان مقصد را برای ترجمه واژه «لقب اطلاق دادن» بیان کرده است؛ یعنی «می‌خواندند» زیرا در زبان فارسی کاربرد بیشتری دارد.

– «ارتفاعها مثل طولہ هو نفسہ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۱۱): «یعنی هم‌اندازه خودش بود» (سبزیان پور، ۱۳۹۷: ۱۲)؛ ترجمه تحت‌اللفظی این عبارت می‌شود «ارتفاع آن مثل طول او، خودش بود» که در زبان فارسی فاقد کارکرد یا مفهوم بود، یا کارکرد کمی دارد که نزد خوانندگان چندان معمول نیست؛ بنابراین، مترجم معادلی را به کار برده که کارکردی مشابه دارد.

– «لم يتجاوزَ الثانیةَ عشرةَ من عُمره» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۷): «دوازده سال بیشتر نداشت» (سبزیان پور و وکیلی، ۱۳۹۷: ۸)؛ ترجمه تحت‌اللفظی این جمله می‌شود «دوازده سال از عمر او تجاوز نمی‌کرد» است که مترجم معادلی کاربردی و روان استفاده کرده تا برای خوانندگان متن ترجمه قابل فهم باشد و این یک عبارت عامیانه است که به زبان مقصد نزدیک‌تر است.

– «وبعد أن عاملتُماني هذه المعاملة» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۲۷): «بعد از این رفتاری که با من داشتید» (سبزیان پور و وکیلی، ۱۳۹۷: ۲۸)؛ مترجم به جای ترجمه تحت‌اللفظی عبارت که «بعد از این که رفتار کردید با من این رفتار را» می‌شود معنایی کاربردی و روان را برای آن به کار برده است.

– «کانا غایةً فی الحرصِ وُخْشونَةَ الإحساس» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۷): «در نهایت حرص و بی‌رحمی بودند» (سبزیان پور و وکیلی، ۱۳۹۷: ۸)؛ مترجم اصطلاح فرهنگی – کارکردی

«بی‌رحمی» را برای واژه «خُسُونَةُ الإحساس» را استفاده کرده است. مترجم سعی کرده است بعضی از واژگان مرسوم فارسی را به جای واژه‌های مشهور عربی بگذارد و واژه «بی‌رحمی» یک جایگزین فرهنگی از سوی مترجم است.

– «فَمَا انْقَضَتْ سَاعَةٌ أُخْرَى» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۶۵): «هنوز ساعتی نگذشته بود» (سبزیان‌پور، ۱۳۹۷: ۶۶). آن طور که ملاحظه می‌شود مترجم به جای معنای تحت‌اللفظی (هنوز یک ساعت دیگر سپری نشده بود)، معادل عامیانه آن (هنوز ساعتی نگذشته بود) را معنا کرده که این گونه ترجمه به زبان مقصد نزدیک‌تر است.

### ۳-۵. بسط نحوی (افزایش)

مترجم به دلیل تجربه و دانش خود در برخی موارد که جایز می‌داند، بسط نحوی را به کار می‌برد. بسط نحوی؛ یعنی مفهومی که در متن مبدأ به تلویح بیان شده است باید در زبان مقصد به آن تصریح شود (متقی‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۷۷ و Garces, 1994: 81) به این معنا که مترجم از مؤلفه‌هایی به عنوان واژه برابر و اصطلاحات زبان مبدأ استفاده می‌کند که مواردی از قبیل ضمائر و اشاره‌های مجازی و کتابی که با توجه به سیاق متن در تقدیر گرفته می‌شود در ترجمه تصریح و بیان می‌شود. بسط نحوی، آن‌گاه که به ضرورت برای برون‌رفت از یک چالش ترجمه‌ای باشد، پسندیده است؛ «تصریح به معنای آشکارسازی است و یکی از هماهنگی‌های ترجمه است، تصریح وقتی صورت می‌گیرد که اطلاعات متن مبدأ با صراحت و وضوح بیشتر به ترجمه انتقال می‌یابد» (سیاحی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۳).

– «جَمَعَ الْأَخْوَانُ أَكْبَرَ ثَرْوَةٍ فِي تِلْكَ الْبِلَادِ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۷): «دو برادر بیشترین ثروت را در میان مردم آن شهرها کسب کرده بودند» (سبزیان‌پور و وکیلی، ۱۳۹۷: ۱۶)؛ مترجم برای بسط مفهوم، کلمه «مردم» را که در تقدیر جمله است در ترجمه افزایش داده است.

- «حَتَّى أَنَّهُ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَنْطِقَ بِحَرْفٍ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۱۵): «به گونه‌ای زبانش بند آمد که نتوانست کلمه‌ای حرف بزند» (سبزیان‌پور و وکیلی، ۱۳۹۷: ۱۶)؛ در ترجمه عبارت فوق، مترجم پس از ذکر معنای «يَنْطِقُ بِحَرْفٍ» از کلمه زبانش بند آمد نیز استفاده کرده است در حالی که معادل این کلمه در متن اصلی نیامده است که می‌توان آن را افزایش تفسیری یا شرح‌گونه دانست. افزایش یا بسط نحوی در ترجمه سبزیان‌پور اندک است و به همین موارد محدود است.

- «حَتَّى هَزَّتْ جَسَدَهُ قَشْعِرِيَّةٌ بَارِدَةٌ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۵۷): «سرمای شدید بدنش را بلرزه در آورد» (سبزیان‌پور، ۱۳۹۷: ۵۸)؛ «باردۀ» به معنای سرما است که مترجم خواسته متن مبدأ را با صراحت و وضوح بیشتر به ترجمه انتقال دهد.

- «حَتَّى شَاهَدَ أَخَاهُ» «رَسُولَانِ» «مُسْتَلْقِيًا أَمَامَةَ عَلِيٍّ عَلَى الْأَرْضِ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۵۵): «برادرش» «ارسلان» را دید که در مقابلش بر روی زمین دراز کشیده است» (سبزیان‌پور، ۱۳۹۷: ۵۶)؛ سبزیان‌پور بنابر ضرورت، حروف یا افعال ربطی را به ترجمه‌هایش افزوده است. «و إِذَا بَخَيْرَاتِهِ الَّتِي أَضَاعَتْهَا الْقَسْوَةُ وَ عَدَمُ الرَّحْمَةِ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۷۱): «و خیر برکتی که سنگ‌دلی و بی‌رحمی آن را نابود کرده بود» (سبزیان‌پور، ۱۳۹۷: ۷۲).

#### ۵-۴. قبض نحوی (کاهش)

قبض به کار بردن یک واژه در زبان مقصد در برابر چند واژه زبان مبدأ بوده و آن هنگامی است که مترجم در برابریابی به بخشی از واژگان متن مبدأ و آوردن مشابه آن در ترجمه اهتمام نورزیده است و به بیان حداقلی بسنده می‌کند (صیادانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۹ و Garces, 1994: 81).

- «إِنَّ الرَّجُلَ يَرْتَجِفُ مِنْ شِدَّةِ الْبُرْدِ» (الشارنی، ۱۳۹۷: ۱۵): «این مرد از سرما به خود لرزید» (سبزیان پور و وکیلی، ۱۳۹۷: ۱۲)؛ مترجم شدت را در ترجمه نیاورده و به عبارت «سرما» بسنده کرده است درحالی که به خود لرزیدن در اثر سرما معمولی حاصل نمی‌شود و باید سرمای شدیدی باشد که شخص بلرزد؛ بنابراین، به نظر بهتر بود در ترجمه بیان می‌شد.
- «كَانَا غَايَةً فِي الْحِرْصِ وَ خُشُونَةِ الْإِحْسَاسِ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۷): «در نهایت حرص و بی‌رحمی بودن» (سبزیان پور و وکیلی، ۱۳۹۷: ۸)؛ مترجم در برابر دو واژه «خُشُونَةُ الْإِحْسَاسِ» که به معنای خشونت احساس است، تنها واژه بی‌رحم را به کار برده است در حالی که این واژه می‌تواند معنای دیگری نیز داشته باشد.
- «يَتَدَفَّقُ وَاحِدٌ فِي مَجْرَى يَمْتَدُّ عِنْدَ مَنبَعَةٍ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۷): «یکی از این رودخانه‌ها از یک آبراه در این کوه‌ها سرچشمه می‌گرفتند» (سبزیان پور و وکیلی، ۱۳۹۷: ۲)؛ «مَجْرَى يَمْتَدُّ» به معنای «محل جریان امتداد دارد» است و مترجم معنای «آبراه» را برای آن استفاده کرده است.
- «تَسَاقَطَتُ ثَمَرَاتُ الْبُرْتُقَالِ مِنْ أَشْجَارِهَا قَبْلَ أَنْ تَنْضِجَ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۹): «پرتقال‌ها قبل از آن که رسیده شوند از درخت‌ها افتادند» (سبزیان پور و وکیلی، ۱۳۹۷: ۱۰)؛ ترجمه تحت‌اللفظی «ثَمَرَاتُ الْبُرْتُقَالِ» میوه‌های پرتقال است و مترجم معنای ثمرات را دیگر در ترجمه بیان نکرده است. این گونه ترجمه عبارات نه تنها به کوتاهی سخن کمک می‌کند، بلکه آن‌ها را به ساختار زبان فارسی نیز نزدیک‌تر می‌گرداند.
- «وَأَتَابَتْ شِهَابٌ دَهْشَةً بِالْغَةِ لِهَذَا الَّذِي رَأَى» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۱۵): «شهاب از آنچه دید بسیار وحشت کرد» (سبزیان پور، ۱۳۹۷: ۱۶)؛ مترجم معنای «وَأَتَابَتْ» که «فرا گرفت» است را در ترجمه نیاورده است. معنای تحت‌اللفظی آن می‌شود و «وحشت شهاب را فرا گرفت». در صورت بیان فرا گرفتن وحشت، درک صحیح و کامل‌تری از ترس وارده بر شهاب نشان

داده می‌شود و بهتر بود که در این مورد، قبضی صورت نگیرد. موارد حذف در ترجمه خوب، بسیار محدود و حتی نادر است و مترجم وفادار، جز در مواقع ضروری و اجتناب‌ناپذیر، اقدام به حذف مطلبی نمی‌کند؛ چراکه حذف بی‌رویه، عمده‌ترین عیب ترجمه محسوب می‌شود (کماکی، ۱۳۹۹: ۳۰-۲۲ با تلخیص).

- «والیوم حارٌّ شَدیدُ الحَرَّارَةِ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۴۳): «روز بسیار گرمی بود» (سبزیان‌پور، ۱۳۹۷: ۴۴)؛ این جمله عبارت است از «حارٌّ شَدیدُ الحَرَّارَةِ» و به‌طور خلاصه ترجمه شده که طبق اصول جزء قبض نحوی محسوب می‌شود. هنگامی که دو کلمه در متن هم معنا باشند، یکی از آن‌ها جایگزین دیگری می‌شود؛ زیرا هر کدام از آن‌ها معنای دیگری را بیان می‌کند و در یک مسیر معطوف هستند و بیان هر دو آن‌ها، نوعی تکرار بیهوده است مگر در مفاهیم علمی که دو مترادف هر کدام مضمون خاص خود را دارد (خاطوم، ۱۹۹۶: ۵).

#### ۵-۵. اقتباس<sup>۱</sup> (معنی نزدیک یا همانندسازی)

اقتباس یا معنی نزدیک به معنای به‌کار بردن معادل، جا افتاده است. در این شیوه، پیامی از طریق موفقیت مشابه انتقال می‌یابد و برای ترجمه اصطلاحات با نهادهای فرهنگی مفید است (متقی‌زاده و نقی‌زاده ۱۳۹۶: ۱۷۷ و Carces, 1994: 81). شاید بتوان گفت که ترجمه خوب ادبی آن است که هم اقتباس باشد و هم ترجمه (خاوری، ۱۳۸۶: ۸۶)؛ یعنی جنبه‌های ادبی و بلاغی داشته باشد. طبق بررسی‌های انجام شده که در نمودار معنایی- لغوی نیز آورده شده در این ترجمه، «اقتباس» بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است. - «لَمْ تَطْهَرْ بِهَا أَيَّةُ عِلْمَاتٍ تَدُلُّ عَلَىٰ أَنَّهَا آخِذَةٌ فِي الْجَفَافِ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۱۵): «هیچ نشانه‌ای از خشک شدن نداشت» (سبزیان‌پور و وکیلی، ۱۳۹۷: ۱۸)؛ مترجم، معنای نزدیک



را برای عبارت فوق به کار برده و از ترجمه تحت‌اللفظی آن اجتناب کرده و خواسته است ترجمه‌ای ساده و روان‌تر ارائه کند.

- «فَأَجَابَ «شهاب» مُتَرَدِّدًا» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۱۷): «شهاب با تردید گفت» (سبزیان‌پور و وکیلی، ۱۳۹۷: ۱۸)؛ مترجم به جای فعل «جواب داد» فعل «گفت» را به عنوان معادل به کار برده است و کاربرد بیشتری دارد.

- «سَأَقْدُمُ لَكَ نَصِيحَةً ثَمِينَةً» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۳۷): «یک نصیحت گران‌بها به تو می‌کنم» (سبزیان‌پور و وکیلی، ۱۳۹۷: ۱۸)؛ در زبان فارسی گفته نمی‌شود «نصیحت گران‌بها را به تو تقدیم می‌کنم» بلکه معانی رایج آن این است که «به تو نصیحت می‌کنم» که یک مضمون آشنا برای خواننده است.

- «غَادِرَ فِرَاشِهِ قَبْلَ أَنْ تَشْرُقَ الشَّمْسُ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۴۲). «قبل از این که خورشید بالا بیاید از رختخواب بیرون آمد» (سبزیان‌پور و وکیلی، ۱۳۹۷: ۱۸). اصطلاح «بالا آمدن خورشید» در زبان فارسی برای خواننده ملموس‌تر است و کاربرد بیشتری دارد.

- «شهابُ فِتًى لَمْ يَتَجَاوَزِ الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ بَيْنَ عُمَرِهِ لَطِيفٌ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۷): «شهاب جوانی بود که دوازده سال بیشتر نداشت بسیار خوش‌قلب و با احساس بود» (سبزیان‌پور و وکیلی، ۱۳۹۷: ۸). مترجم برای ترجمه لطیف از خوش‌قلب و با احساس استفاده کرده که برای خواننده قابل فهم‌تر است.

- «وَأَخَذَ لَوْنُ أَنْفِهِ يَمِيلُ إِلَى الْأَحْمَرِ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۶۵): «و رنگ دماغش به سرخی رفت» (سبزیان‌پور، ۱۳۹۷: ۶۶)؛ همانطور که ملاحظه می‌شود جنبه بلاغی و ادبی در ترجمه این جمله سبزیان‌پور قابل مشاهده است که جزء نکات مثبت ترجمه است.

- «وفی تَمَامِ السَّاعَةِ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ عِنْدَ مُنْتَصَفِ اللَّيْلِ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۲۷): «و در ساعت دوازده نصف شب» (سبزیان پور و وکیلی، ۱۳۹۷: ۸)؛ مترجم در ترجمه عبارت «عِنْدَ مُنْتَصَفِ اللَّيْلِ» از «نصف شب» که به زبان مقصد نزدیک تر است، بهره جسته است.

- «فَلَمْ أَتَذَوَّقْ شَيْئاً مِنَ الطَّعَامِ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۱۹): «هیچ غذایی نخورده‌ام» (سبزیان پور و وکیلی، ۱۳۹۷: ۲۰)؛ معنای تحت‌اللفظی عبارت بالا «چیزی از غذا نچشیده‌ام» است که مترجم از عبارت «هیچ غذایی نخورده‌ام» که همانند آن است، استفاده کرده است.

- «و تَلَقَّفَتْهُ الْمِيَاهُ فَكَنَّمَتْ صَرَخَتَهُ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۵۷): «آب او را در خود گرفت و فریادش را پنهان کرد» (سبزیان پور و وکیلی، ۱۳۹۷: ۵۸)؛ معنای تحت‌اللفظی عبارت چنین است که «آب او را ربود و فریادش را پنهان کرد» که در این جمله سبزیان پور برای ترجمه از همانندسازی «آب او را در خود گرفت» استفاده کرده است.

در ترجمه‌های فوق مترجم تلاش کرده از عبارات و معادل‌هایی استفاده کند که در زبان فارسی، جاافتاده‌تر و قابل فهم‌تر است و برای اهل ادب با استفاده از ابزارهای بلاغی جملات را زیباتر و ملموس‌تر از معنی سطحی و اولیه‌ی واژه‌ها بیان کرده است.

#### ۵-۶. عام برابر خاص یا برعکس

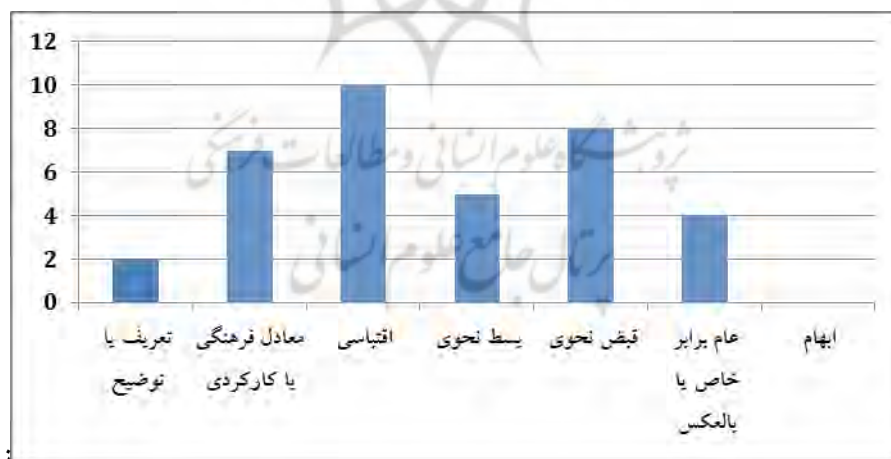
عام برابر خاص یا برعکس عبارت است از ترجمه لغت خاص (ذات) به عام (معنی) یا برعکس. (فرهادی، ۱۳۹۲: ۱۲۴).

- «الْوَقْتُ قَدْ تَجَاوَزَ الظُّهْرَ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۴۳): «روز از نیمه گذشت» (سبزیان پور، ۱۳۹۷: ۴۴)؛ «وقت» یک معنای عام است و مترجم عبارت «روز» را در ترجمه آورده که خاص است و اخص از وقت است.

- «وَمَعَ ذَلِكَ لَمْ يَحْدُثْ مُطْلَقًا أَنْ أَحْسَنَ إِلَى فَقِيرٍ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۷): «اما با وجود آن، هیچ وقت به فقرا کمک نمی کرد» (سبزیان پور و وکیلی، ۱۳۹۸: ۸)؛ «أَحْسَنَ» به معنای «احسان» همه نوع نیکی را شامل می شود و مترجم در اینجا آن را به معنای «کمک» استفاده کرده است که از معنای عام آن معنای خاص را انتخاب کرده است. در این جمله، معنایی که از کمک برمی آید همان صدقه است که در مقابل معنای احسان، جزء اخص آن است.

- «يُحْسِنُ بِالْإِعْيَاءِ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۴۷): «احساس خستگی کرد» (سبزیان پور و وکیلی، ۱۳۹۷: ۴۴)؛ «إِعْيَاءٍ» در لغت به معنای ضعف و ناتوانی است که مترجم معنای خستگی را که خاص است به کار برده است.

- «خُسُونَةُ الْإِحْسَاسِ» (الشارونی، ۱۳۹۷: ۷): «بی رحمی» (سبزیان پور و وکیلی، ۱۳۹۷: ۸)؛ «خُسُونَةُ الْإِحْسَاسِ» یک کلمه ای است که دارای معنای عام است. مترجم بی رحمی را که یک معنای خاص است برای ترجمه آن استفاده کرده است.



مودار (۱): نمودار معنایی - لغوی

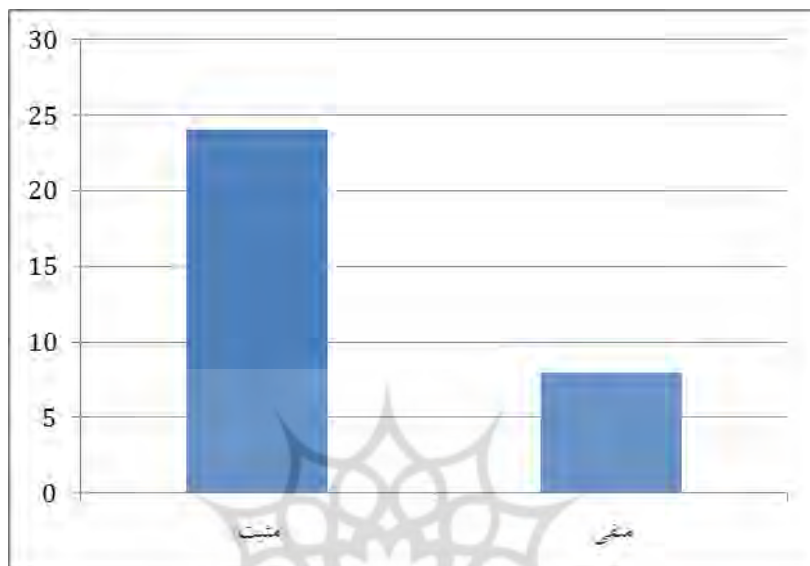
از جمله روش‌های ترجمه، می‌توان به ترجمه معنایی و ترجمه ارتباطی اشاره کرد:

- ترجمه معنایی: معنا و مفهوم متن مبدأ را با نزدیک‌ترین ساخت‌های دستوری و معنایی به زبان مقصد منتقل می‌کند (نیومارک، ۱۳۸۶: ۳۷).

- ترجمه ارتباطی: ترجمه‌ای است که پیام متنی را با متداول‌ترین کلمات، عبارات و ساخت‌های دستوری به زبان مقصد برمی‌گرداند (همان: ۳۷). با توجه به این دو روش ترجمه، سبزیان‌پور از روش ترجمه معنایی استفاده کرده است که این نوع ترجمه برای ترجمه متون یا عناصر توصیفی، متن‌های اطلاعاتی و ترجمه متون مقدس استفاده می‌شود. کاربرد دیگری که برای ترجمه معنایی در نظر گرفته می‌شود، مقاصد آموزشی است؛ مانند آموزش صرف و نحو. مرحله نهایی و ملاک اصلی برای سنجش میزان کیفیت و مقبولیت ترجمه، ارزیابی آن براساس ویژگی‌ها و تکنیک‌های مثبت و منفی نظریه گارسس (۱۹۹۴) است (صیادانی و اصغرپور، ۱۳۹۶: ۱۱۱). در جدول زیر تکنیک‌های مثبت و منفی سطح معنایی لغوی بررسی می‌شود.

جدول (۳): تکنیک‌های مثبت و منفی سطح معنایی - لغوی

ردیف	شاخص‌های مثبت	فروانی	شاخص‌های منفی	فراوانی
۱	معادل فرهنگی	۷	ابهام	۰
۲	اقتباس	۱۰	قبض نحوی	۸
۳	بسط نحوی	۵	---	---
۴	توضیح	۲	---	---
	جمع کل	۲۴	جمع کل	۸



نمودار (۲): تکنیک‌های مثبت و منفی سطح معنایی - لغوی

به طور کلی در مدل پیشنهادی گارسس ترجمه‌ها براساس دو معیار کفایت<sup>۱</sup> و مقبولیت<sup>۲</sup> گروه‌بندی می‌شوند. طبق مدل گارسس (۱۹۹۴) بین جنبه‌های منفی و میزان کفایت و مقبولیت ترجمه‌ها رابطه معکوس وجود دارد؛ یعنی هرچه مقدار این ویژگی‌های منفی بیشتر باشد، میزان کفایت (انطباق عناصر زبانی در دو زبان مبدأ و مقصد و میزان دقت مترجم در رساندن پیام موردنظر) و مقبولیت (میزان قابل قبول بودن از سوی خوانندگان زبان مقصد) ترجمه‌ها کمتر است. میان ویژگی‌ها یا جنبه‌های مثبت و میزان کفایت و مقبولیت ترجمه‌ها، رابطه مستقیمی برقرار است؛ یعنی هرچه این ویژگی‌ها بیشتر باشد، میزان کفایت و مقبولیت ترجمه‌ها زیادتر خواهد بود.

1- Adequacy  
2- Acceptability

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر که براساس سطح معنایی لغوی الگوی گارسس به ترجمه داستان «نهرالذهب» پرداخته‌است، نشانگر نقاط قوت و ضعف مترجم در مؤلفه‌ای خاص و اهتمام بیشتر مترجم به یک یا دو مؤلفه از سطح معنایی - لغوی در مقایسه با مؤلفه‌های دیگر است. سبزیان‌پور در بخش توضیح و تعریف تنها یک مورد را در پاورقی ذکر کرده است. مترجم گاهی در ترجمه، خود را پایبند به اسلوب متن اصلی و ملزم به انتقال همان اسلوب به متن ترجمه می‌داند و گاهی هم شیوه‌های بیانی و ظرافت‌های زبانی متن مقصد را در اولویت قرار می‌دهد؛ بنابراین، ترجمه ارائه شده از داستان یعقوب الشارونی با توجه به نظریه گارسس قابل قبول است، اما بهترین ترجمه آن است که خواننده بوی ترجمه را از متن احساس نکند و فرآیند ترجمه را از یاد ببرد. به بیان دیگر، خواننده ترجمه، گمان کند متنی که می‌خواند به دست یک نویسنده به رشته تحریر درآمده است. برای رسیدن به این هدف باید از تکنیک‌های خاص ترجمه استفاده شود که خود نیازمند پژوهش دیگری است.

باید به این نکته توجه کرد که ترجمه صورت گرفته از «نهرالذهب» از ویژگی‌های مثبت و منفی خاص برخوردار است و در اینجا هدف، ارزیابی و بررسی مشکلات موجود در ترجمه متون ادبی است و به عنوان یک نتیجه می‌توان گفت که دو اصل «کفایت و مقبولیت» مبنایی برای تقسیم‌بندی ترجمه‌ها هستند.

نکته پایانی این که اگر کسی می‌خواهد برای کودکان و نوجوانان کتابی ترجمه کند باید علاوه بر استفاده از کلمات و سخنان مخصوص کودکان و رعایت سادگی مطالب، اصطلاحات به کار رفته در آن را توضیح دهد تا بیشترین تأثیر را بر مخاطب خود؛ یعنی کودکان داشته باشد.

پیشنهاد می‌شود مترجمان با توجه به الگوهای ترجمه ارائه شده از یک الگو برای ترجمه خویش بهره ببرند و جنبه‌های مختلف آن الگو را در ترجمه خود به کاربرده تا در

ترجمه خود موفق‌تر عمل کرده و کیفیت آن را افزایش دهند و ترجمه‌ای یکنواخت و زیبا ارائه کنند.

## منابع

### قرآن کریم

- پرین، لورانس. (۱۳۷۸). **ادبیات داستانی ساختار صدا و معنی**. ترجمه حسن سلیمانی و فهیمه اسماعیل‌زاده. تهران: رهنما.
- جبوری، احمد و دیگران. (۱۹۷۷). *الترجمة والتعريب . بیروت: دار العلم للملایین*.
- خاطوم، احمد. (۱۹۹۶). *فی مدار اللغة واللسان*. ط ۱. بیروت: شركة المطبوعات.
- خاوری، سید خسرو. (۱۳۸۳). «از واژه به مفهوم «اقتباس یا ترجمه ادبی»». **پژوهش ادبیات معاصر جهان**. ش ۱۸. صص ۹۶-۸۳.
- رحیمی خویگانی، محمد. (۱۳۹۶). «نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم «با تکیه بر سطح معنایی لغوی گارسس»». **مطالعات ترجمه قرآن و حدیث**. ش ۷. صص ۹۶-۹۴.
- رشیدی، ناصر و شهین فرزانه. (۱۳۹۸). «ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا اثر مارک تواین براساس الگوی گارسس (۱۹۹۴م)». **زبان پژوهی دانشگاه الزهراء**. ش ۳. صص ۱۰۸-۵۸.
- سیاحی، صادق و دیگران. (۱۳۹۵). «اسلوب تصریح و تبیین در ترجمه قرآن (بررسی موردی ترجمه فیض‌الاسلام)». **پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی**. ش ۱۴. صص ۶۰-۴۲.

الشارونی، یعقوب. (۱۳۹۷). *نهر الذهب*. ترجمه وحید سبزیان پور و حسیه و کیلی. تهران: یار دانش.

صیادانی، علی و همکاران. (۱۳۹۶). نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان «قلب اللیل» با عنوان «دل شب» براساس «الگوی گارسس». *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. ش ۱۶. صص ۱۱۸-۸۷.

طهماسبی، عدنان. (۱۳۵۹). *شیوه ترجمه ادبی مبتنی بر ترجمه نمایشنامه صاحبه الجلالة*. تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی.

عبدالباسط عبد، محمد. (۲۰۱۷). *الخطاب النقدي التراث والتأويل*. ط ۱. بیروت: الانتشار العربی.

عصفور، محمد. (۲۰۰۹). *دراسات فی الترجمة ونقدها*. ط ۱. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.

فرهادی، پروین. (۱۳۹۲). بررسی، نقد و ارزیابی ترجمه متون عربی (مطالعه نقد و ارزیابی آثار ترجمه شده غسان کنفانی در سه بخش قصص، روایات و مسرحیات). پایان‌نامه رشته مترجمی زبان عربی دانشگاه تهران.

کمالی، جواد. (۱۳۹۹). «حذف و اضافه در ترجمه». *فصلنامه مترجم*. س ۳. ش ۱۱ و ۱۲. صص ۳۰-۱۶.

متقی‌زاده، عیسی و سید علاء نقی‌زاده (۱۳۹۶). «ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی براساس مدل کارمن گارسس» (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۵ برای نمونه). *پژوهش‌های ترجمه در زبان ادبیات عربی*. ش ۱۶. صص ۱۹۳-۱۶۹.



نیومارک. پیتر. (۲۰۰۶). *الجامع فی الترجمة*. ترجمه حسن غزالی. بیروت: دار مکتبه الهلال.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۶۸). *دوره آموزش فنون ترجمه*. ترجمه منصور فهیم و سعید سزریان. چ ۲. تهران: رهنما.

Garces.C. V. (1994). A methodological Proposal For the assessment of translated Literary works. *Babel*, No. 40. Pp. 77- 101

